



The reflection of marriage in the poetry of Hazegha Heravi

 Meysam Hanifi ^{1*}, Fateme Nazari ²

^{1*} Persian language and literature department of Ahl al-Bayt International University

² Department of Persian Language and Literature, Imam Khomeini International University, Qazvin

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:

09/02/2025

Accepted:

27/09/2025

The culture, traditions, and customs of nations have been reflected throughout history in their literature, with artists, including poets and writers, consistently portraying these customs in their artistic works. The exploration of the cultural and religious aspects of marriage—what is deemed acceptable and unacceptable, along with the associated traditions—is a recurring theme in the poetry of certain poets, notably Hazegheh Heravi, a contemporary Afghan poet. In Hazegheh Heravi 's poetry collection, numerous cultural themes and social transformations from the early fourteenth century in Afghanistan are articulated, with the poet occasionally offering progressive insights on these concepts. This article, a theoretical study based on library research, employs an analytical-descriptive approach to investigate marriage-related issues in Hazegheh's poetry. The family institution is regarded as one of the fundamental pillars of human society, and marriage holds particular significance in establishing this foundation. Hazegheh underscores this notion, asserting that a mindful approach to entering marriage and a careful selection of a suitable partner are essential for a successful life, as evidenced by her analysis of both successful and unsuccessful marriages. She outlines the criteria for choosing a spouse as educational compatibility, age similarity, chastity and purity, mutual love and affection, and the presence of good and admirable qualities. Additionally, Hazegheh addresses critical issues such as forced marriage, the marriage of girls before puberty, and polygamy among men in Afghanistan, which regrettably remain prevalent in the patriarchal society of Afghanistan today.

Keywords: Contemporary Afghan Poetry, Hazegha Heravi, Family , Marriage, Polygamy, Forced Marriage.

Cite this article: Hanifi, Meysam; Nazari , Fateme (2025), *The reflection of marriage in the poetry of Hazegha Heravi*, Interdisciplinary research in persian Language and literature, Vol. 4, New Series, No.1, spring and summer 2025: pages 291-317

DOI: 10.30479/IRPLI.2025.21593.1254



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Meysam Hanifi

Address:

E-mail:

بازتاب ازدواج در شعر حاذقه هرویمیثم حنیفی^{۱*}، فاطمه نظری^۲^۱ گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)^۲ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	فرهنگ، سنت‌ها و آداب و رسوم اقوام در طول تاریخ در ادبیات آنان بازتاب یافته است و هنرمندان، از جمله شاعران و نویسندگان در خلال خلق آثار هنری، همواره منعکس‌کننده این آداب و رسوم بوده‌اند. نگاه به مقوله فرهنگی - مذهبی ازدواج و واکاوی بایدها و نبایدها و سنت‌های مربوط به آن، از جمله موضوعاتی است که در شعر بعضی از شاعران دیده می‌شود؛ از آن جمله حاذقه هروی، شاعر معاصر افغانستانی است. در دیوان اشعار حاذقه هروی، بسیاری از موضوعات فرهنگی و تحولات اجتماعی اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی سرزمین افغانستان امکان بروز یافته‌اند و شاعر بعضاً با نگاهی پیشرو در مورد این مفاهیم اظهار نظر کرده است. واکاوی دقیق آثار ادبی هر دوره و استخراج دیدگاه هنرمندان در زمینه‌های مختلف، دست‌مایه مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات و سایر علوم، نظیر علوم اجتماعی خواهد بود. در این مقاله که پژوهشی نظری است و داده‌های آن با شیوه کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده، با تکیه بر روش تحلیلی - توصیفی به بررسی مسائل مربوط به مقوله ازدواج در شعر حاذقه پرداخته شده است. نهاد خانواده یکی از اساسی‌ترین هسته‌های جامعه بشری به‌شمار می‌رود و ازدواج جایگاه ویژه‌ای در تشکیل این هسته اساسی دارد. حاذقه ضمن تأکید بر این موضوع، با تحلیل مشاهدات خود از ازدواج‌های موفق و ناموفق، آگاهانه وارد شدن به این مرحله و دقت در انتخاب همسر مناسب را لازمه داشتن یک زندگی موفق می‌داند. وی همچنین معیارهای انتخاب همسر را عفت و پاکدامنی، وجود علاقه و محبت میان زوجین، داشتن صفات نیک و پسندیده، سواد و آگاهی زوجین و نداشتن اختلاف سنی زیاد برشمرده است. از دیگر موضوعات مهمی که حاذقه در این حیطه به آن‌ها پرداخته است، موضوع ازدواج اجباری، ازدواج دختران قبل از سن بلوغ و چندهمسری در مردان افغانستان است که متأسفانه تا امروز نیز در جامعه مردسالار افغانستان فراوانی قابل توجهی دارد.
دریافت:	
۱۴۰۳/۱۱/۲۱	
پذیرش:	
۱۴۰۴/۰۷/۰۵	

کلمات کلیدی: شعر معاصر افغانستان، حاذقه هروی، خانواده، ازدواج، چندهمسری، ازدواج اجباری.

استناد: حنیفی، میثم؛ نظری، فاطمه (۱۴۰۴). *بازتاب ازدواج در شعر حاذقه هروی*. دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی، سال چهارم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۴: ۳۱۷-۲۹۱.

DOI : 10.30479/IRPLI.2025.21593.1254



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه

حاذقه هروی یکی از شاعران معاصر افغانستان است که در بازه زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰ ه. ش در شهر هرات زندگی کرده است. وی در اشعارش به بیان واقعیات تلخ و شیرین جامعه، اعم از اتفاقات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پرداخته و اوضاع و احوال شهر و دیارش و هنجارها و ناهنجاری‌های جامعه‌اش را به تصویر کشیده است. یکی از موضوعات برجسته در شعر حاذقه، مسئله ازدواج و تشکیل خانواده است. هرچند وی در سن کم ازدواج کرد، اما دیدگاه و نگاه او به ازدواج با راه و روش معمول زمانه‌اش تفاوت داشت. حاذقه دختر یک دهقان بی سواد بود و مادر و پدری داشت که بدون تعمق و آگاهی و براساس سنت‌های رایج آن روزگار ازدواج کردند و دخترشان را نیز بر طبق همان شیوه و روش مرسوم به شوهر سپردند؛ اما هوش فعال و ذهن جست‌وجوگر او باعث شد آگاهی‌های خود را در این باره بیشتر کند و مطالعاتی داشته باشد تا بتواند برای ساختن یک زندگی موفق سهم بیشتری داشته باشد.

حاذقه هروی از نظر ادبی شاعر برجسته‌ای محسوب نمی‌شود و حتی اشعار او از اشکالات لغوی و عروضی خالی نیست؛ اما شعر او از لحاظ محتوا بسیار حائز اهمیت است. در جامعه مردسالار افغانستان - خصوصاً در روزگار زندگی حاذقه - طرح مسائلی همچون لزوم آموزش زنان و نگاه متفاوت به ازدواج و نقد تفکرات سنتی خصوصاً از یک شاعر زن جوان بسیار قابل توجه است و بدین سبب حاذقه را می‌توان از افراد پیشرو روزگار خود دانست.

آثار ادبی می‌توانند منعکس‌کننده نوع نگاه شاعران و نویسندگان هر دوره زمانی به مقولات مهم فرهنگی و اجتماعی باشند و استخراج دقیق این مفاهیم می‌تواند دست‌مایه مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات و علوم دیگر نظیر علوم اجتماعی باشد. این پژوهش در پی واکاوی نگاه نقادانه و متفاوت حاذقه به مقوله ازدواج است که در میان اشعار او بازتاب یافته است.

کلیات دیوان حاذقه شامل اشعار و نامه‌هایش است و به همت عفت مستشارنیا در سال ۱۳۹۸ ه. ش تصحیح و به چاپ رسیده است. این پژوهش براساس این کلیات به شیوه تحلیلی-توصیفی به انجام رسیده و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای به دست آمده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی مقوله ازدواج در شعر حاذقه هروی نپرداخته است. در چند کتاب به شکل مختصر به زندگی حاذقه، آثار و برخی از اشعارش اشاره‌ای شده است و در هیچ یک موضوع این پژوهش بررسی و تحلیل نشده است. همچنین تاکنون سه مقاله با عنوان‌های زیر در مورد حاذقه هروی منتشر شده است:

- «مقایسه آموزش زنان از نظر حاذقه هروی و پروین اعتصامی» نوشته زینب رحیمی و زینب محمودی. (دوفصلنامه مطالعات تطبیقی تاریخ و فرهنگ اسلامی. سال اول. شماره دوم. بهار و تابستان ۱۴۰۱). در این مقاله هیچ اشاره‌ای به موضوع ازدواج نیامده است.
- «مقایسه هویت زنان و بایسته‌های آن در دیوان حاذقه هروی و پروین اعتصامی» نوشته مهدی محمدی و زینب رحیمی. (همایش بین‌المللی هویت ایرانیان. دانشگاه شیراز. اردیبهشت ۱۴۰۲). در این مقاله نیز برخلاف انتظار، هیچ مطلبی در مورد ازدواج نیامده است.
- «بررسی ویژگی‌های سبکی شعر حاذقه هروی» نوشته میثم حنیفی و فاطمه نظری. (همایش بین‌المللی زبان و ادبیات فارسی. همدان. اسفند ۱۴۰۲). در این مقاله در بخش ویژگی‌های فکری، در یک بند، آمار بازتاب مقوله ازدواج و خانواده در دیوان حاذقه ارائه شده است.
- همچنین در مورد حاذقه دو پایان‌نامه با عنوان‌های «بازتاب حیات اجتماعی و فرهنگی افغانستان در دیوان حاذقه هروی» توسط زینب رحیمی و «سبک‌شناسی اشعار حاذقه هروی» توسط فاطمه نظری در دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) نوشته شده است. در این پژوهشها نیز مطلب مستقلی در باب موضوع این مقاله دیده نمی‌شود.

۲-۱. حاذقه هروی کیست؟

حاذقه هروی یکی از شاعران معاصر افغانستانی است. نام اصلی حاذقه «کشور» است. پدرش محمد عثمان از قوم درانی و مادرش همدم از قوم علی‌زایی بوده است. وی در ۲۹ محرم ۱۳۴۰ ه.ق (= ۱۰ مهر ۱۳۰۰ ه.ش) در هرات، در محله کشکک زاده شد. چنانچه در اشعارش جای تولد و محل زندگی خود را این‌گونه ذکر کرده است:

مسکن ویرانه‌ام در باغ‌دشت فیض‌بخش جای مولودم بود کشکک ز اقصای هرات
(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۱۸۳)

در کتاب *زنان سخن‌سرا* در پویه / ادب دری، درباره تحصیلات حاذقه آمده است: «حاذقه در سنین کودکی و نوجوانی در مدارس هرات و نیز تحت نظر پدرش با ادبیات دری و عربی و همچنین زبان انگلیسی آشنا شد.» (عطا، ۱۳۶۵: ۱۲۲)

عبدالرئوف بینوا در تذکره خود پشتنی میرمنی به زبان پشتو درباره حاذقه نوشته است: «حاذقه در هفت سالگی شروع به مکتب رفتن کرد و پس از پایان تحصیلات ابتدایی به ادامه تحصیل پرداخته و ادبیات پارسی، عربی و انگلیسی، فقه و اصول و حدیث را آموخت.» (مشیر سلیمی، ۱۳۳۷: ۱۰۶). اما برخلاف این نوشته‌ها، حاذقه خودش را دختری دهقان و خودآموز، که هم پدر و هم مادرش بی‌سواد بودند معرفی می‌کند که تعلیماتش در هیچ دستگاه تربیتی قانونی و اصولی انجام نپذیرفته و بیشتر با تکیه به هوش و استعداد و علاقه خودش این راه را پیموده است. (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۳۴) در هیچ جایی از اشعار، نامه‌ها و یادداشت‌های حاذقه به ادامه تحصیلات وی در دوره متوسطه و عالی اشارتی نشده است. بنابراین می‌توان گفت که حاذقه در سال‌های بعدی به مدرسه رفته و از تعلیمات رسمی برخوردار شده است و همین تحصیلات رسمی و قانونی در دوره بعدی زندگی وی، راه را برای ورود او به عنوان معلم در مدرسه مهری هروی باز کرده است. (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: مقدمه دیوان)

بهره‌گیری حاذقه از آیات کلام‌الله مجید و اشارت به احادیث نبوی و استناد به آن‌ها، نشان‌دهنده این است که وی به معانی و مفاهیم و تفسیر قرآن کریم نیز تسلط داشته است. همچنان بنابر نظر عفت مستشارنیا «حاذقه هروی با اشعار خواجه شیراز و بوستان و گلستان سعدی و اشعار خاقانی و قانانی... آشنا شده و آن‌ها را خوانده است» (همان: مقدمه دیوان)

کلیات وی به نامه‌هایی ختم می‌شود که در سال ۱۳۴۱ نگاشته شده است و پایان کلیات وی با گزارش روزگار تلخ‌کامی‌ها و محرومیت‌ها و تنگدستی‌های آخرین سال‌های زندگی او همراه شده است. بعد از این نامه دیگر معلوماتی از وی در دسترس نیست و مشخص نیست باوجود بیماری‌های که خود به آن اشاره کرده، چند سال دیگر زیسته است.

حاذقه هروی از سال ۱۳۱۶ وارد دنیای شعر و شاعری شده است و تا سال ۱۳۴۱ در حدود هشتاد هزار بیت در قالب‌های گوناگون شعر فارسی سروده است. وی دو کتاب *حیات نسوان* و *تذکره بانوان شاعر* را در دست تألیف داشته است که کلیات برگزیده‌ای از مجموع آن‌هاست. اما

در کتاب *زنان سخن‌سرا در پویه ادب دری*، کتاب *حیات سوزان و همکاری ملت* از مهم‌ترین تألیفات وی ذکر شده است (عطا، ۱۳۶۵؛ ۱۲۲).

حاذقه هروی از جمله شاعرانی است که در پشت ابرهای تاریک جهل و زن ستیزی جامعه، سال‌ها ناشناخته مانده و بیشتر تألیفاتش ناپدید شده است؛ اما به تلاش عفت مستشارنیا بعد از هشتاد سال اشعار وی جمع‌آوری شده و به شکل دیوان درآورده شده و در سال ۱۳۹۸ ه.ش به چاپ رسیده است.

۲. ازدواج یا نکاح

ازدواج به معنی برقراری ارتباط بین دو ناهمجنس (زن و مرد) است، طوری که زندگی مشترک شکل گرفته و چه‌بسا در آینده نزدیک یا دور، منجر به تولیدمثل یا فرزندآوری شود. همچنین ساختار ازدواج موجب می‌شود که اطرافیان دو ناهمجنس، شامل خانواده‌ها، اقوام و سپس جامعه، دو نفر را به صورت رسمی به عنوان یک خانواده جدید بپذیرند (اکبری و دنیایی، ۱۴۰۰: ۱۷).

کالون معتقد است که ازدواج کنش متقابل بین دو فرد است که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود به پا کرده‌اند و به‌طور کلی عمل آن‌ها مورد پذیرش قانون قرار گرفته است (ساروخانی، ۱۳۹۳: ۲۵).

ویلیام گود ازدواج را یک نسبت دیرینه اجتماعی می‌داند که از دیرباز مرسوم بوده و در میان عموم اقوام ملل و مذاهب و در همه کشورهای وجود داشته است و دارد. ازدواج می‌تواند چهره‌های متغیری به خود بگیرد، اما نهاد خانواده در کنار مذهب، تنها نهادی است که در تمام جوامع پذیرفته شده و توسعه یافته است. (گود، ۱۳۵۲: ۲۱).

و نکاح در اصطلاح حقوقی را می‌توان چنین تعریف کرد: نکاح یا ازدواج رابطه‌ای است حقوقی و عاطفی که به وسیله عقد (نه تنها صیغه، بلکه مراد حاصل از آن است که در فارسی به «همسر گرفتن» تعبیر می‌شود) بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق داده می‌شود که با همدیگر زندگی کنند و مظهر تمتع این رابطه حق تمتع جنسی است (محقق داماد، ۱۳۸۲: ۲۲).

ازدواج از نظر اسلام مرحله مهمی از تشکیل خانواده است که بیش از همه مراسم‌ها و رویدادهای زندگی انسان، در جنبه‌های متعدد فردی و زیستی و اجتماعی، امری جهانی بوده و به لحاظ هدف ثابت و پایدار است. این فرایند عبارت از کنش متقابل بین مرد و زنی است که

برخی از شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند. ازدواج از نظر اسلام درواقع برقراری تعادل میان فرهنگ و طبیعت بوده و دارای نوعی تقدس است و در مقایسه با سایر روابط انسانی، تمامیتی بی‌نظیر دارد؛ تا جایی که ابعاد زیستی، اجتماعی، اقتصادی، عاطفی و روانی زندگی را تحت پوشش قرار می‌دهد (اکبری و دنیایی، ۱۴۰۰: ۱۷). در قرآن کریم از ازدواج به‌عنوان پیمان محکم یاد شده است. جملاتی که در زمان عقد و ازدواج ازسوی یک طرف گفته و طرف مقابل آن را می‌پذیرد، نشان از استواری این پیوند مقدس دارد: «وَ أَخَذَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا» (سوره نساء، آیه ۲۱).

۳. دیدگاه حاذقه درباره ازدواج

تجربه شخصی شاعر می‌تواند در نوع نگرش او به مسائل مختلف بسیار مؤثر باشد. ازدواج زود هنگام حاذقه که البته مطابق عرف جامعه او بوده، موجب ناقص ماندن تحصیلات او می‌شود و این افسوس تا مدت‌ها با او همراه می‌شود و در نامه‌ها و شعر او بازتاب می‌یابد. نگاه انتقادی حاذقه به سنت‌های رایج در موضوع ازدواج بسیار قابل توجه است. همچنین در خلال اشعار او می‌توان ویژگی‌های یک پیوند موفق و وظایف و حقوق متقابل همسران را جست‌وجو کرد. از اشارات حاذقه چنین برمی‌آید که وی ازدواج را امری بسیار جدی دانسته و مطالعه و کسب آگاهی در این زمینه را لازمه داشتن ازدواج و زندگی مشترک موفق می‌داند. همچنین حاذقه داشتن اخلاق نیک، وجود عشق و محبت بین زن و مرد، قناعت، تواضع، بردباری، عفت و پاکدامنی و حفظ شرافت و ناموس را اساس زندگی مشترک می‌داند.

حاذقه در ترجیع‌بندی با عنوان «صحنة ازدواج» به بیان دیدگاه‌های خود درباره ازدواج، اصول و شرایط ازدواج، زمان مناسب برای ازدواج دختران و... پرداخته است. بعضی از نقطه‌نظرهای او

در این باب که در این ترجیع‌بند مطرح شده‌اند بدین شرح است:

- ازدواج امری مطلوب است که دختران با آن به عزت می‌رسند.
- ازدواج مطلوب به دختران مصونیت می‌دهد.
- ازدواج نوری است که لطف و رحمت الهی را در پی دارد.
- ازدواج موجب آزادگی است و نعمت ایمان را تکمیل می‌کند.
- دختران برای ازدواج باید به سن کمال (از نظر حاذقه سن ۲۲ سالگی) برسند.
- همچنین نباید از این سن بگذرند و وقفه و درنگ در ازدواج جایز نیست.

برای نمونه دو بند از این ترجیع‌بند ذکر می‌شود:

باشد در این بهار سزاوار ازدواج	با دختران مهوش هشیار ازدواج
با دختری که هست طلبکار آرزو	هرگز نمی‌کند ز کسی عار ازدواج
بازار ازدواج پر از قیمت و بهاست	با دختری که هست خریدار ازدواج
آزادگی و نعمت ایمان آخرت	باشد به دست دختر دیندار ازدواج
آن دختری که قصد نماید به ازدواج	گردد عزیز محرم اسرار ازدواج
دنای ازدواج جهانی است بی‌خطر	با دختری که هست طلبکار ازدواج
لطف خدا و رحمت پرفیض اجتماع	دایم میسر است به انوار ازدواج

از روی فکر و عقل به این عزّ و افتخار
خود را به کل حال سپردم به کردگار

ترتیب ازدواج با یک دختر کلان	لازم بود به قسمی که این جا شده بیان
باید نمود فکر بلا وقفه بی‌درنگ	با سن بیست و دو چو رسد عمر دختران
آن دختری که فارغ تعلیم می‌شود	باید گرفت شوهر دانا و نکته‌دان
بعد از فراغ مکتب صنف دوازده	بعد از حصول دانش و اخلاق امتحان
بعد از شناس کیفیت سرّ شوهری	بعد از توان همسری مطلق‌العنان
تدبیر لازم است به هر دختر شریف	تا در چّه بلا نشود حبس بی‌گمان
باید شناخت شوهر خود را که کیست او	باید گرفت شوهر آزاده جوان

تا آن که زندگی نشود مبتلای جهل
با حیلۀ زیاد نگردد فدای جهل

۳-۱. معیارهای گزینش همسر

در منابع دینی ما نکات مهمی در مورد ملاک‌های صحیح انتخاب همسر وجود دارد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «ازدواج به منزله رقیّت است؛ پس هرگاه خواستید دختر خویش را به ازدواج درآورید، خوب دقت کنید که چه کسی دختر شما را به رقیّت درمی‌آورد» (حر عاملی، ۱۳۸۰: ۷۹)؛ همچنین می‌فرمایند: «هر کس زنی را به خاطر دارایی‌اش تزویج کند، خداوند او را به خود وامی‌گذارد و هر کس زنی را به خاطر زیبایی‌اش تزویج کند، در وی چیزی مشاهده خواهد کرد که ناپسندش آید و هر کس زنی را به خاطر دین‌داری‌اش تزویج کند، خداوند آنها را نیز برایش گرد می‌آورد» (همان: ۵۰).

حاذقه نیز انتخاب همسر مناسب را یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اقدامات در طول زندگی اشخاص می‌داند. اشعار حاذقه دو جنبه‌ای است: هم مردان را جهت انتخاب همسر مناسب و پایبندی به اصول ازدواج و زندگی مشترک مخاطب قرار داده است و هم در این مورد برای دختران اشاراتی داشته است. در ادامه معیارهایی که حاذقه به آنها اشاره کرده است ذکر می‌شود:

۳-۱-۱. آگاهی زوجین و سواد

براساس آیات قرآن کریم انسان دارای کرامت ذاتی بوده و از روح الهی بهره‌مند است؛ تا جایی که مسجود فرشتگان قرار می‌گیرد و موجودی است که اسماء الهی را به وسیله معلم اول ذات اقدس الهی آموزش دیده است و مهم‌ترین و اولین ویژگی وی، که خداوند در مقابل ملائکه به آن استدلال نموده است، علم انسانی است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، خداوند هیچ‌گونه وجه ممیزه‌ای به جز علم که از نظر ذات اقدس او دارای محبوبیت ذاتی است، برای انسان برنشموده است (روشن، ۱۳۹۶: ۳).

حاذقه معتقد است که «به سر بردن حیات در کنار یک خانم باسواد و هوشیار و پاک‌نفس تمام ناامیدی‌های شوهر را به امید و توانایی و هوشمندی مبدل کرده، تسلی‌بخش خاطرهای ناهموار زوجین می‌شود.» (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۳۵-۲۳۴). همچنین آگاه و دانا بودن مردان و سواد زن و مرد را در اشعار خود نیز این‌گونه بیان نموده است:

مردی که زنش لایق و دانا نبود	دانسته و هوشمند و خوانا نبود
باشد به میان آتش نار سقر	در خانه او به غیر غوغا نبود
(همان: ۳۱۸)	
زن اگر جاهل بود بی‌قیمت و بی‌جوهر است	مرد دانا پیر گردد عاقبت در پای زن
(همان: ۱۳۲)	
با زنان همسر با علم و ادب هست نکو	به جز از مرد نکو خواهش همسر نکند
(همان: ۴۰)	
مرد نادان و جهالت‌پیشه می‌باشد مدام	خودنما و یاوه‌گوی و ظالم و اغیار زن
او نمی‌داند که زنها را چه باشد آرزو	می‌شود از بی‌کمالی برخلاف کار زن
(همان: ۱۳۱)	
مردی که شود خانم نادان زن او	آلوده شود به گندگی دامن او
بی‌آب و شرف شود به مخلوق خدا	گلخن شود از جفای او مسکن او
(همان: ۳۲۴)	
مردی که بخیل و سخت‌نadan باشد	بر دوش زن عاقله تاوان باشد
آن خانه بود به زن به‌مثل شب تار	محبوس به آن گوشه زندان باشد
(همان: ۳۱۹)	

۳-۱-۲. هم‌سطح بودن زوجین از نظر سنی

یکی از مشکلات ازدواج در افغانستان، ازدواج دختران کم سن و سال با مردان مسن است که این امر غالباً به اجبار و بدون رضایت دختر صورت می‌گیرد. برخی از خانواده‌ها به دلیل فقر و مشکلات اقتصادی و یا به خاطر جاه‌طلبی و متاع‌دنیوی دختران خود را که حتی هنوز به مرحله بلوغ نرسیده‌اند، به ازای شیربهای هنگفت به ازدواج مردان مسنی درمی‌آورند که چند برابر آن دختر سن دارند و اغلب دارای همسر و چند فرزند نیز هستند. حافظه در این رابطه یک مثنوی با عنوان «جاهل‌آباد» سروده است و در آن، زندگی دختر زیبارویی را به تصویر کشیده است که

پدرش او را به بدل پول به پیرمرد گوژپشت ثروتمندی می‌دهد و دخترک با مشقت زیادی در زندگی روبه‌رو می‌شود تا اینکه زیر بار مشکلات و ظلم‌های شوهرش از غصه و غم بیمار می‌شود و از دنیا می‌رود.

آمد خبری ز جاهل آباد	آوازه به شهر و قریه افتاد...
یک دختر مه‌لقا به خانه	دارد به جمال بی‌نشانه
صاحب ادب و کمال و صنعت	خالی ز جهالت و مصیبت...
آخر به دوپای شصت‌ساله	بنوشت ز دخترش قباله
آن پیر کهن کمانه بر دوش	حوری به بغل گرفت آغوش
یعنی به دو لک خرید دختر	چون دیو سیه گرفته همسر
آن دخترک عزیز مادر	با غنچه گل بُدی برابر
ناگه به بلای ناگهانی	داد از کف خویشان جوانی...
از خلخل سرفه‌اش هراسان	از تُف‌تُف هر دمش گریزان
از بوی دهان او به تکلیف	لازم نبود زیاده تعریف
از گوش کرش به غصه و غم	حیران و پریش و خوار و برهم...
از طعنه دو لکش دل‌آزار	با درد و بلای او گرفتار...
گه زخم زبان زد به جانش	مانند اجیر دادی نانش...
نه مادر او ز وی خبردار	نه خواهر او شفیق و همکار
اقوام ز رنج او خبر نیست	همخانه او دم پدر نیست...
ناگه ز قضای آسمانی	آمد به سرش اجل نهانی

(همان: ۱۹۴-۱۹۲)

حاذقه این عمل والدین را مورد سرزنش قرار می‌دهد و آن را دشمنی با فرزند و دختر فروشی قلمداد می‌کند.

ای دشمن روزگار دختر
ای آن‌که به پیسه آشنایی
ای صاحب اقتدار دختر
بیگانه در گه خدایی
دختر مفروش و ظلم کم کن
با دختر خویش کم ستم کن
(همان: ۱۹۴)

مشو دشمن به فرزند عزیزت
به پیر گپ بی‌دندان مده زن
(همان: ۱۴۲)

همان‌طور که ذکر شد، حاذقه سن ازدواج برای دختران را بیست و دو سالگی می‌داند؛ چون دوره تحصیلی دختران در همین سن تمام می‌شود. وی پایان این دوره و حاصل شدن آگاهی کامل دختران را زمان مناسبی برای ازدواج می‌داند. وی برای داشتن یک زندگی سالم، به بالغ بودن و باسواد بودن دخترها تأکید دارد.

ترتیب ازدواج با یک دختر کلان
لازم بود به قسمی که این جا شده بیان
باید نمود فکر بلا وقفه بی‌درنگ
با سن بیست و دو چو رسد عمر دختران
آن دختری که فارغ تعلیم می‌شود
باید گرفت شوهر دانا و نکته‌دان
(همان: ۲۳۸)

۳-۱-۳. وجود علاقه و محبت میان زوجین

انگیزه‌های عاطفی دارای منشأ فطری در گرایش دو جنس مذکر و مؤنث به تشکیل خانواده دخالت داشته‌اند. چنانچه در قرآن کریم ذکر شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (سوره روم، آیه ۲۱). ترجمه: «و از آیات و نشانه‌های خداوند است که برای شما از جنس خودتان جفتی آفرید، که در کنار او آرامش یابید و میان شما عشق و محبت و مهربانی قرار داد، که در آن، نشانه‌هایی از خداست برای مردمی که می‌اندیشند.» در این آیه از قرآن آفرینش همسران برای آرامش یافتن آنان در کنار یکدیگر، نشانه‌ای الهی معرفی شده و ایجاد زمینه‌های مهر و مودت میان ایشان را با واژه «جَعَلَ» به خداوند اسناد داده است که بر خاستگاه فطری کشش متقابل زن و مرد دلالت دارد (بستان نجفی، ۱۳۹۸: ۱۲). حاذقه وجود این محبت را لازمه ازدواج و ادامه

زندگی مشترک می‌داند که می‌تواند از آسیب‌های اجتماعی نظیر کشش عاطفی نامشروع به زن یا مرد دیگر جلوگیری کند.

مردی که به وصل خانمش شاد شود از بند غم و فراق آزاد شود
بیچاره نگردد نشود خوار و زبون از کوشش و سعی خانم آباد شود
(همان: ۳۱۹)

زن را محبت است به شوهر چو جسم و جان هر زن به همسرش بود همکار و هم‌زبان
جان را فدا به شوهر خود می‌کند عیان بی‌قدر و ارزش است به وی حب دیگران
(همان: ۲۶۸)

دانی که زن، رفیق موافق به شوهر است بهتر به کان معرفت از درّ و گوهر است
با مرد صاحب اخلاق رهبر است اندر لغات زندگی مرد مصدر است
(همان: ۲۶۹)

۳-۱-۴. پاکدامنی و عفت در زوجین

چنان‌که در قرآن کریم (سوره بقره، آیه ۱۸۷) درباره زندگی مشترک زن و مرد اشاره شده است، خداوند زن و مرد را مکمل و جامه عفاف یکدیگر دانسته است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» آنها جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت آنها هستید. این امر در اشعار حاذقه چنین بازتاب یافته است.

زن را خدا ستود به قرآن لباس مرد بلکه تمام خوبی کار اساس زن
(همان: ۲۶۸)

وی برای اینکه یک زن بتواند مکمل همسرش باشد، بر حفظ پاکی، عفت و حیا تأکید می‌کند:
گر حیا نبود، نباشد دختران را عفتی بیشتر گویم به تو ای دیده تکرار حیا
(همان: ۷)

زن را اگر فرشته بگویم بود به‌جا لیکن به شرط آن‌که بود صاحب حیا
پرهیزگار باشد و با صبر و پارسا منفور منهیات بود تارک ریا
(همان: ۲۶۹)

بی‌شرم و حیا و لَچَر و خیره مباحش ابرو مپران و کاسه شیر مباحش
(همان: ۳۲۲)

با توجه به آیات قرآن کریم (سوره نور، آیه ۳۰ و ۳۱) خداوند هم زنان و هم مردان را به حیا سفارش کرده است. حافظه نیز این حیا را فقط مختص زنان نمی‌داند و مردان را نیز مسئول حفظ حیا دانسته است:

مرد و زن اندر حیا فرقی ندارد ای پسر هر دویش مسئول می‌باشند به اقرار حیا
(همان: ۷)

مردی که به هر زنی ببندد دل خود با ماچه خری بیان کند مشکل خود
شک نیست که عاقبت شود خوار و ذلیل از بی‌خردی دور کند منزل خود
(همان: ۳۱۹)

مردی که عاشق هر ماچه خری دل را بدهد به دست هر بی‌پدری
رسوا شود و خراب و بدنام شود گمنام شود ازو نماند اثری
(همان: ۳۲۵)

۳-۱-۵. داشتن صفات نیک و پسندیده

اخلاق اگر به زن نبود زن نمی‌شود دانشور و خیبر به هر فن نمی‌شود
با آب و با شرافت میهن نمی‌شود صاحب‌کمال کوچه و برزن نمی‌شود
(همان: ۲۶۸)

مردان باوقار بود یادگار زن در زندگی همیشه بود کامگار زن
دانش صفت همیشه بود در کنار زن باشد به حرف و گفته و با اختیار زن
معنی زن به آدم دانا بود بلند دانسته کی ز ظلم رساند به زن گزند

اخلاق بهتر است به زن از زر و جمال از سرخه و سفیده به زن خوبتر کمال
تحصیل علم و سیر فضا لقمه حلال از روی خلق و پاکی طینت چو یک غزال

با اتحاد و مشفق و با فضل و خوش‌لقا صاحب‌سلیقه باشرف و علم و باحیا

زن حافظ شرافت مرد نکو بود زیرا که مرد درصدد آبرو بود
شیرین‌تر آن که باادب و نیک‌خو بود دایم درخت میوه از او در نمو بود
با صبر و با قناعت و با شفقت و عطاست از شوهرش همیشه به هر ساعتی رضاست
(همان: ۲۶۹)

حاذقه دختران را از ازدواج با مردانی که صفات ناپسندی چون بی‌شرمی، بی‌خردی،
چاپلوسی و بداندیشی دارند منع کرده است:
از مرد بدقیافه و بی‌شرم درگذر خود را به مرد باخردی دار مفتخر
از مرد چاپلوس و بداندیش در کنار می‌باش، ای عزیز دل مادر و پدر
خود را و قوم و خویش خودت را خجل مکن با عهد بی‌حقیقت اشخاص بی‌پدر
با زرد و سبز و سرخ مشو آشنای کس با پیسه قران نخوری مکر بی‌ثمر
با چشمک و بروتک و ابرو مخور فریب از حيله دور باش و خبردار و باخبر
(همان: ۲۳۸)

از آنجایی که در جامعه سنتی افغانستان آن روزگار، والدین نقش بیشتری در انتخاب همسر فرزندان داشتند و تمام معیارهای همسر فرزند به‌خصوص فرزند دختر به‌واسطه والدین تعیین و انتخاب می‌شود، حاذقه در این حیطه والدین را مخاطب قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد تا در این مورد دقت بیشتری به خرج دهند.

به شخص جاهل و نادان مده زن به بد اخلاق و نافرمان مده زن
به الدنگ و به اوباش و به تنبل به ده گز سلّه و تمبان مده زن
به کوچه‌گرد و بی‌کسب و صناعت به ظالم پیشه و شیطان مده زن
اگر گیر آمدی با شخص جاهل دوصد تنگه بده تاوان مده زن
مشو دشمن به فرزند عزیزت به پیر کپ بی‌دندان مده زن

مشو دختر فروش و بی مروت
به قانون شریعت باش ثابت
ز اشخاص تملق پیشه بگذر
به مثل حاذقه از بی کمالی
به هر جا و به هر نادان مده زن
به غیر جنس با حیوان مده زن
به مکر و حیلۀ انسان مده زن
بدون فکر با زندان مده زن
(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۱۴۲-۱۴۱)

همچنین در مثنوی جاهل آباد چنین می سراید:
با حکم شریعت و به فرهنگ
لیکن پسری که هست عاقل
با دانش و با تمیز باشد
بی کاره و نان گدا نباشد
از حیلۀ به دختران نگردد
از کذب و قسم بود هراسان
با دخترکان به حیلۀ بازی
رسوای جهانیان نباشد
شاید که به برکت خداوند
با حکم شریعت و به فرهنگ
لیکن پسری که هست عاقل
با دانش و با تمیز باشد
بی کاره و نان گدا نباشد
از حیلۀ به دختران نگردد
از کذب و قسم بود هراسان
با دخترکان به حیلۀ بازی
رسوای جهانیان نباشد
شاید که به برکت خداوند
(همان: ۱۹۵-۱۹۴)

۲-۳. شرایط زن گرفتن پسران

حاذقه شرایط اولیه ایجاد یک زندگی مشترک را داشتن علم و اخلاق، اشتغال و توانایی کسب و امرار معاش دانسته و بیشترین مسئولیت تهیه این امکانات را به عهده پسر می داند. وی برای پسران تأکید می کند تا زمانی که این امکانات را مهیا نکنند به فکر ازدواج و زن گرفتن نیفتند. وی شرایط ازدواج برای پسران را این گونه بیان می کند:

عزیز من به همکاری مکن زن
نداری کسب و کار و صنعت و علم
تحمّل کن، به قرض داری مکن زن
به افلاس و به ناداری مکن زن

زن اندر خانه می‌خواهد زر و مال	نداری زر، به بیکاری مکن زن
برو اول به مکتب علم آموز	به رنج و زحمت و خواری مکن زن
به درک صنعت و اخلاق می‌کوش	اگر مردی به بی‌عاری مکن زن
هوا و حرص را از سر به درکن	به حال خود گرفتاری، مکن زن
نباشد گر تو را علم و صنعت	بگو با من چه ناچاری؟ مکن زن
نصیحت کردم صد بار دیگر	پسرجان با دل‌آزاری مکن زن
ز پند حاذقه می‌باش قانع	عزیز من به ناداری مکن زن

(همان: ۱۳۴)

۳-۳. نقش والدین در قبال فرزندان

دیدگاه حاذقه به پدیده ازدواج تنها به صرف ازدواج و اصول و شرایط آن نبوده بلکه پدیده ازدواج را از آن جهت با اهمیت و درخور توجه دانسته است که نسل بعدی، یعنی فرزندان آینده کشور در دامن خانواده پرورش می‌یابند. وی در سه مثنوی با عنوان‌های *جاهل آباد*، *طفل بازیگوش*، و دختر *دانا* نقش والدین و تأثیر تصمیم‌گیری‌ها و عمل‌کرد آنان را بر روی زندگی و آینده فرزندان بیان نموده است.

در داستان اول، همان‌طور که ایباتی از آن ذکر شد، دختری زیبارو که عاشق درس و مشق و کتاب و تلاوت قرآن است به خاطر داشتن پدر و مادر جاهل و بی‌سواد از درس و مدرسه بازمی‌ماند و با تصمیم‌گیری‌های اشتباه والدین به همسریِ مرد کهن‌سالی درمی‌آید و زندگی‌اش به تباهی می‌کشد. (همان: ۱۹۳)

در داستان طفل بازیگوش، پدر تحصیل کرده و دانا است؛ اما مادر شخصی جاهل و راحت‌طلب است که به مال شوهر دلخوش داشته و زندگی‌اش را با عیش و نوش و آسودگی می‌گذراند. پدر زمانی که پسرش به سن هفت‌سالگی می‌رسد او را به مدرسه می‌فرستد و پسر نیز آن‌چنان به کسب علم و دانش علاقه دارد که لحظه‌ای از آموختن نمی‌آساید. اما مادر پسر را از مکتب بازمی‌دارد و به او پول زیادی می‌دهد تا با دوستانش به عیش و نوش بپردازد تا اینکه سرانجام پسر قمارباز می‌شود و تمام دارایی پدر را بر باد می‌دهد و خودش زندانی شده و در همان‌جا جان می‌دهد. (همان: ۱۹۵)

در داستان دختر دانا زندگی دختری بیان شده است که در خانواده‌ای آگاه زندگی می‌کند. وی تمام وقتش را در پی حصول علم و دانش می‌گذراند، به مدرسه می‌رود و دوران ابتدایی و دبیرستان را با موفقیت می‌گذراند و با تلاش و استعدادی که دارد دانشگاه را نیز به اتمام می‌رساند. (همان: ۱۹۷)

حاذقه با این سه مثنوی پیاپی و با مقایسه سه والدین متفاوت، نتیجه می‌گیرد که خانواده به‌ویژه پدر و مادر نقش به‌سزایی در زندگی فرزندان و ترقی و پیشرفت آنان دارد و غفلت و بی‌توجهی آنان نابودی زندگی فرزندان را به بار می‌آورد.

۳-۴. ازدواج اجباری

در جامعه سنتی افغانستان به‌ویژه در مناطق دورافتاده و روستائین، تمام تصمیمات زندگی فرزندان به‌خصوص دختران توسط بزرگترهای خانواده گرفته می‌شد. ازدواج نیز از جمله همین تصمیم‌گیری‌ها بود. والدین به‌خصوص پدران مطابق طرز تفکر، نظریات و ارزش‌هایی که داشتند فرزندان را به ازدواج فرد موردنظر و مورد تأیید خود درمی‌آوردند. تخلف از خواسته‌های والدین برای فرزندان به‌ویژه دختران ناممکن بود و یا با مسائل و مشکلات و برخوردهای جدی روبه‌رو می‌شد.

ازدواج حاذقه نیز در سن کم و براساس همین سنت‌ها و مطابق خواست و سلیقه والدینش انجام شده است. وی این موضوع را این‌گونه بیان می‌کند: «در سال ۱۳۱۹ که با آقای منیری محفل عروسی‌ام برگزار گردید، صحنه ازدواج را یک صحنه محیرالعقولی دیده، بر من ثابت شد که این ازدواج من برخلاف مقررات ازدواج بوده و در این وقت که سن من ۱۶ بود باید ازدواج نمی‌کردم ولی چون در قریه‌جات و روستاها بالعموم ازدواج دختران از سن تولد تا سن ۱۵ رواج عمومی داشت، مادرم که به معنی ازدواج نمی‌دانست و پدرم نیز بی‌سواد بود و به پیروی و تقلید دیگران مرا نیز شوهردار کرد. این خطای بزرگ والدینم بود که مرا درحالی‌که تعلیمات ابتدایی من نیز خاتمه نیافته بود به مشکلات ازدواج روبه‌رو کردند» (همان: ۲۳۴-۲۳۳).

یکی از مهم‌ترین عوامل ازدواج اجباری دختران در سنین پایین مشکلات اقتصادی است. همچنین متأسفانه گاهی والدین در جهت بهبود وضعیت اقتصادی خود از ازدواج دخترشان سوءاستفاده می‌کنند. «مطالعات وزارت زنان و سازمان‌های غیردولتی در سال ۱۳۹۰، نشان

می‌دهد که بیش از ۴۰٪ دختران افغانستانی قبل از تکمیل کردن سن ۱۶ سالگی مجبور به ازدواج می‌شوند.» (محسنی، ۱۳۹۰: ۲۴۶).

حاذقه این عمل والدین در مورد فرزندان‌شان را تقبیح نموده، آن را دختر فروشی و ظلم و ستم در حق فرزند می‌داند. وی مطابق اصول و مقررات دین مبین اسلام ازدواج و نکاح اجباری را حرام دانسته و نارضایتی زوجین را نارضایتی خداوند در این امر می‌داند.

ای دشمن روزگار دختر	ای صاحب اقتدار دختر
ای آنکه به پیسه آشنایی	بیگانۀ درگه خدایی
دختر مفروش و ظلم کم کن	با دختر خویش کم ستم کن
از قهر خدا بترس و محشر	خود را به سقر مکن برابر
از جبر نکاح حرام باشد	تزویر نکاح چو دام باشد
مطبوع نبود اگر به دختر	در عالم احتیاج همسر
این نوع نکاح مصیبت آرد	با هر دو نفر فضیحت آرد
دختر اگر او رضا نباشد	راضی به خدا- خدا نباشد
گر نیست پسر رضا به دختر	این نوع نکاح شود مکدر

(حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۱۹۴)

مشو دختر فروش بی‌مروت	به هر جا و به هر نادان مده زن
به قانون شریعت باش ثابت	به غیر جنس با حیوان مده زن

(همان: ۱۴۲)

آنی که به دخترش نباشد هادی	باشد به خیال ذلت و بر بادی
با پیش خداوند چه دارد سندی	تا امر کند خدا به وی آزادی

(همان: ۳۲۵)

حاذقه از زبان زنانی که به زور والدین تن به ازدواج داده‌اند این گونه سخن می‌گوید:

من همانم که به یک خانه غم زار و زبون می‌کنم زندگی و لیک به اندوه فزون

شوهرم نیست ز من یک پر کاهی ممنون دیده از محنت و غم شام و صبا کاسه خون
با همین رنج و محن حوصله و صبر کنم مرگ خواهش کنم و هم طلب قبر کنم
(همان: ۲۷۲)

۳-۵. چندهمسری

«تعدد زوجات یا چندهمسری سابقه طولانی در تاریخ بشر دارد. این امر نه تنها در میان قبایل وحشی وجود داشته، بلکه در بسیاری از ملل متمدن نیز رواج یافته است. با این که این روش خلاف میل اغلب زنان است و برای مردان نیز مشکلات فراوانی در پی دارد، ولی بسیاری از مردان و زنان به این روش تن داده و آن را پذیرفته اند» (رحیمی و مسلمی پطودی، ۱۳۹۸: ۲۳۳). در کشور افغانستان - که جامعه‌ای مردسالار است - نیز این روند ادامه داشته است. در دوره زندگی حاذقه، مردان از قدرت خود برای در اختیار گرفتن چند زن استفاده می کردند، بدون اینکه رضایت همسر قبلی را در نظر بگیرند و به رعایت عدالت بین همسران توجهی داشته باشند. حتی اکنون نیز بسیاری از مردان در افغانستان، خصوصاً در روستاها، دو یا بیشتر از دو زن را به عقد و نکاح خود درمی آورند.

حاذقه نیز از جمله زنانی است که شوهرش چنین ظلمی را در حق او نموده است. چنان که خودش در این مورد می نویسد: «آقای منیری در عنفوان جوانی یعنی در سن ۲۲ تا سن ۳۳ چهار زن گرفت» (حاذقه هروی، ۱۳۹۸: ۲۱۷).

دلّم ترقّید از غوغای انبّاق بترقّد دیده بینای انبّاق
ندارد یک ذره شرم و حیایی در این خانه بود دعوای انبّاق
الهی مادر من در بگيرد مرا کرد عاقبت رسوای انبّاق
زدست جِق جِق و کَل کَل مداماً شدم دیوانه سودای انبّاق
چه شوهرداری و چه زندگانی نیابد روشنی فردای انبّاق
(همان: ۸۳)

جهالت پیشگی تا چند یاران ندارد مرد ظالم عدل و احسان
به ایام جوانی مست و بی هوش چو بحر اندر خروش موج و طوفان

نمی‌باشد ز آینده هراسان	نه با فکر مبادا روز آخر
نباشد عادل احکام قرآن	دو زن گیر و سه زن گیر و چهارم
ولی غافل ز مکر و فن شیطان	به یک خانه به دو زن انس گیرد
نسجد کینه را با قلب ایشان	ننیدیشد به زن‌ها بی‌کمالی
نباشد یک دمی از جنگ خندان	به تطبیق تعصب ره نیابد
دو زن‌داری به‌جز خواری ندارد	بلا با این دو زن‌داری بیارد

(همان: ۸۴)

تعدد زوجات از نظر دین اسلام جواز دارد؛ اما دارای اصول و قوانینی است. چنان‌که در قرآن کریم در سوره نساء، آیه ۳ بر جواز چندهمسری مردان اشاره شده است اما بر رعایت عدالت بین همسران تأکید شده است: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً: از زنان هر چه شما را پسند افتد، دو دو، و سه سه و چهار چهار به نکاح درآورید. و اگر بیم آن دارید که به عدالت رفتار نکنید تنها یک زن بگیرید» همچنین در آیه ۱۲۹ این سوره ممکن نبودن رعایت عدالت میان همسران را بیان می‌کند: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَقَةِ: هرچند بکوشید، هرگز نتوانید که در میان زنان به عدالت رفتار کنید. لکن یک باره به سوی یکی میل نکنید تا دیگری را سرگشته رها کرده باشید.»

در افغانستان از دیرباز این امر به‌عنوان یک عرف و فرهنگ نهادینه شده است و مردان افغانستان این امر را یک امر شرعی و قانونی می‌دانند، اما اغلب عدالتی که در دین اسلام بیان شده است را در نظر نمی‌گیرند. حاذقه این موضوع را براساس اصول دین اسلام و طرز اعتقاد مردم به این امر چنین بیان می‌کند.

هست امر شریعت غفار	به نکاح زن، دو و سه و چهار
اصل این حکم عدل و احسان است	لیک اجراش کار مردان است

(همان: ۲۲۲)

نگردی عاصی و رسوا به یک زن	نگردی مفلس فردا به یک زن
----------------------------	--------------------------

دو زن داری بود با عدل و احسان نه‌ای عادل بکن سودا به یک زن
تو چون عادل نه‌ای از عدل دوری نباشد آه و واویلا به یک زن
(همان: ۱۳۳)

حاذقه بر شرط رعایت نمودن عدالت و برابری میان همسران این گونه تأکید می‌کند:
چار زن چار خانه می‌خواهند گر نباشد بهانه می‌پالند
گر بود سه، سه خانه تعیین است گر نباشد، به شوی نفرین است
گر بود دو، دو خانه لازم دان ورنه گریان کن و نما افغان
به مساوات عدل خرج لباس صرف گردد به چار زن به اساس
شبی یک‌خانه مرد با زن خود خواب باشد به دور خرمن خود
حرف گنده به خانمش نزنند جز به نیکی به وی نظر نکنند
(همان: ۲۲۲)

حاذقه تعدد ازدواج در مردان افغانستان را از روی ناآگاهی و ناعاقبت‌اندیشی آن‌ها دانسته و تلاش کرده است تا در اشعارش مشکلاتی را که از این امر در زندگی مشترک آنان به وجود می‌آید بازتاب دهد و آنان را از این امر بازدارد:

دو زن دارد فساد و فتنه در بر نباشد شورش و غوغا به یک زن
هزاران فتنه از انباق خیزد نرنجد آدم دانا به یک زن
نباشد گل‌گل جنگ و عداوت نگردد مرد، بی‌معنا به یک زن
نباشد غرغر انباق بالا نباشد دعوی کالا به یک زن
به سحر و جادو و تعویذ و دودی نیاید حرکتی بی‌جا به یک زن
نگردد مرد دانشمند دانا همیشه عاصی و رسوا به یک زن
خطر در زندگی هرگز نباشد نرنجد آدم دانا به یک زن
اگر خواهی که باشی شاد و خرم مکن همخانه‌ای پیدا به یک زن
شوی مسرور عیش و کامرانی نبینی شورش و غوغا به یک زن

شوی با حرمت و دارا به یک زن	نگردد مصرف و خرجت دو بالا
نگردی خوار در عقبا به یک زن	همیشه گرم عیش و نوش باشی
رسی با رتبه اعلی به یک زن	بینی بهره عمرت به لذت
نه‌ای عادل بشو شیدا به یک زن	دو زن‌داری بود با عدل و احسان
مکن دوری، بکن سودا به یک زن	ز پند حاذقه ای جان مادر
(همان: ۱۳۳)	

آغشته درد و رنج و ادبار شود	صد وای به مرد دو زنه خوار شود
در بستر غم فتاده بیمار شود	از کل کل و غلغل زنان صبح و مسا
از زندگی و حیات خود سیر شود	ای‌وای که مرد دو زنه پیر شود
چون محفل سینمای پامیر شود	ترکرده غذا به خون دل می‌خورد او
(همان: ۳۱۹)	

حاذقه مردانی را که چند همسر اختیار می‌کنند اما عدالت و برابری را در بین آن‌ها برقرار نمی‌کنند، به عدالت خداوند هشدار داده است و آن‌ها را در روز جزا و قیامت در برابر خداوند مسئول می‌داند:

چون بید نلرزد به شب از خوف خدا	مرد دو زنه که نیست بارحم و سخا
نه اهل شریعت است و نه اهل دعا	مسئول بود به پیش قرآن و حدیث
(همان: ۳۱۶-۳۱۵)	

گر عدل به وی نیست زیانکار بود	مردی که دو زن به دوش وی بار بود
شرمنده و منفعل به جبار بود	در روز جزا که حشر مخلوق شود
(همان: ۳۱۹)	

از ظلم و ستم درخت، بی‌برگ کند	مرد دو زنه که عدل را ترک کند
بہتر بود این‌که خواهش مرگ کند	در روز جزا پیش خدا خوار شود
(همان: ۳۱۹)	

۴. نتیجه‌گیری

حاذقه هروی از نظر ادبی شاعر برجسته‌ای محسوب نمی‌شود و حتی اشعار او از اشکالات لغوی و عروضی خالی نیست؛ اما شعر او از لحاظ محتوا بسیار حائز اهمیت است. در جامعهٔ مردسالار افغانستان - خصوصاً در روزگار زندگی حاذقه - طرح مسائلی همچون لزوم آموزش زنان و نگاه متفاوت به مقولهٔ ازدواج و نقد تفکرات سنتی خصوصاً از یک شاعر زن جوان بسیار قابل توجه است و بدین سبب حاذقه را می‌توان از افراد پیشرو روزگار خود دانست. همچنین در خلال اشعار او می‌توان ویژگی‌های یک پیوند موفق و وظایف و حقوق متقابل همسران را جست‌جو کرد. از اشارات حاذقه چنین برمی‌آید که وی ازدواج را امری بسیار جدی دانسته و مطالعه و کسب آگاهی در این زمینه را لازمهٔ داشتن ازدواج و زندگی مشترک موفق می‌داند. حاذقه داشتن اخلاق نیک، وجود عشق و محبت بین زن و مرد، قناعت، تواضع، بردباری، عفت و پاکدامنی و حفظ شرافت و ناموس را اساس زندگی مشترک می‌داند. وی معیارهای انتخاب همسر را، هم سطح بودن تحصیلی زوجین، هم سطح بودن سنی زوجین، عفت و پاکدامنی، وجود علاقه و محبت میان زوجین و داشتن صفات نیک و پسندیده برشمرده است. از موضوعات دیگری که حاذقه در باب ازدواج به آن پرداخته ازدواج‌های اجباری، به خصوص ازدواج اجباری دختران زیر سن بلوغ است. حاذقه بر پایهٔ حکم شرع رضایت دختر و پسر را در هنگام عقد ازدواج ضروری دانسته و بدون رضایت دختر، به شوهر دادن او را عملی حرام و خلاف شریعت می‌داند.

تعدد زوجات یا چندهمسری نیز از مسائل برجسته‌ای است که حاذقه در اشعار زیادی بدان پرداخته است. وی این امر را مطابق شریعت اسلام مجاز دانسته و بر برقراری عدالت میان همسران تأکید دارد. حاذقه تعدد ازدواج در مردان افغانستان را از روی ناآگاهی و ناعاقبت‌اندیشی آن‌ها دانسته و تلاش نموده است تا در اشعارش مشکلاتی را که از این امر در زندگی مشترک آنان به وجود می‌آید بازتاب دهد و آنان را از این امر بازدارد. همچنین مردانی را که چند همسر اختیار می‌نمایند اما عدالت و برابری را در بین آن‌ها برقرار نمی‌کنند، به عدالت خداوند هشدار داده است و آن‌ها را در روز جزا و قیامت در برابر خداوند مسئول می‌داند.

منابع

قرآن کریم

- اکبری، رضا و دنیایی، ام‌کلثوم. (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی خانواده و آسیب‌های نوپدید آن*. تهران: چاپ ششم. انتشارات آوای نور.
- انوشه، حسن. (۱۳۸۱). *دانشنامه ادب فارسی*. جلد سوم. تهران: چاپ اول. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بستان نجفی، حسین. (۱۳۹۸). *خانواده در اسلام*. قم: چاپ ششم. انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). *نهج‌الفصاحه* مجموعه کلمات قصار حضرت رسول‌الله (ص). تهران: چاپ چهارم. انتشارات دنیای دانش.
- حاذقه هروی (۱۳۹۸). *کلیات دیوان حاذقه هروی*. به تصحیح عفت مستشارنیا. تهران: چاپ اول. انتشارات امید رهاوی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۸۰). *وسائل الشیعه*. به کوشش عبدالرحیم ربانی شیرازی. جلد بیستم. تهران: چاپ هفتم. انتشارات کتاب فروشی اسلامیة.
- رحیمی، احمد و مسلمی پطروودی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). *خانواده در اسلام*. تهران: چاپ دوم. نشر یاد اندیشه.
- روشن، محمد. (۱۳۹۶). *حقوق خانواده*. تهران: چاپ دوم. انتشارات جنگل.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: چاپ بیستم. نشر سروش.
- عطا. (۱۳۶۵). *زنان سخن‌سرا در پویه ادب دری*. کابل: مطبوعه دولتی.
- گود، ویلیام جی. (۱۳۵۲). *خانواده و جامعه*. ترجمه ویدا ناصحی. تهران: چاپ اول. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محسنی (حکمت)، محمد آصف. (۱۳۹۰). *زنان در افغانستان «فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها»*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.

- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۲). *بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن*. تهران: چاپ هشتم. مرکز نشر و علوم اسلامی.
- مشیر سلیمی، علی اکبر. (۱۳۳۷). *زنان سخنور*. تهران: چاپ سوم. موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی.

References

- Akbari, Reza & Donyaei, OmeKolsoum. (2021). *Sociology of the family and its emerging harms*. 6th ed. Tehran: Avaye Nur publications.
- Anoushe, Hassan. (2002). *Encyclopedia of Persian literature*. Vol. 3. 1st ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications.
- Ata. (1986). *Women poets in the evolution of Dari literature*. Kabul: Government press.
- Bostan Najafi, Hossein. (2019). *The family in Islam*. 6th ed. Qom: Research institute of seminary and university publications.
- Hazeqa Heravi. (2019). *Collection of Hazeqa Heravi's poems*. edited by Effat Mostasharnia. 1st ed. Tehran: Omid Rahavi publications.
- Horr Amoli, Mohammad ebn Hassan. (2001). *Wasail al-Shia*. Edited by Abdolrahim Rabani Shirazi. Vol. 20. 7th ed. Tehran: Islamiyeh bookstore publications.
- Mohaghegh Damad, Seyyed Mostafa. (2003). *A jurisprudential study of family law: marriage and its dissolution*. 8th ed. Tehran: Center for Islamic and scientific publications.
- Mohseni Hekmat, Mohammad Asif. (2011). *Women in Afghanistan: Opportunities, Challenges, and Solutions*. Qom: international center for translation and publication of Al-Mustafa.
- Moshir Salimi, Ali Akbar. (1958). *Women Orators*. 3rd ed. Tehran: Ali Akbar Elmi press.
- Rahimi, Ahmad & Moslemi Petrudi, Hamidreza. (2019). *Family in Islam*. 2nd ed. Tehran: Pad Andisheh publications.

- Roshan, Mohammad. (2017). Family law. 2nd ed. Tehran: Jangal publications.
- Saroukhani, Bagher. (2014). An introduction to the sociology of the family. 20th ed. Tehran: Soroush publications.